

THE TRAVELS

OF

MIRZA ABOD TALIB KHAN,

In the Persian Language.



ABRIDGED BY

DAVID MACFARLANE, Esq.



SECOND EDITION.



مسیر طالبی

مشمول بر احوال سیر میرزا ابوطالب خان
منتخب نموده، جناب داور مکفاران صاحب

Calcutta:

PRINTED AT THE BAPTIST MISSION PRESS, CIRCULAR ROAD.

SOLD AT THE SOCIETY'S DEPOSITORY, CIRCULAR ROAD; AND AT ALL
ITS DEPOSITORIES, AT THE PRINCIPAL CITIES IN INDIA.

1836.

فهرست مُنتخب مسیّر طابیر



۱	دیباجه
۵	آغاز سفر فرنگ
۶	ذکر عجوبه
۶	بیان جزایر ملاکه
۹	ذکر اعجوبه ماهیهای پرنده
۱۰	ذکر قطب جنوبی و باد تجارت
۱۱	بیان وضع رفتار چهار از کلکته تا انگلند
۱۲	ذکر ماهی ویل بزرگترین خلقت دریا
۱۳	ذکر ارضاع کدپ خورک
۱۵	ذکر ورود بشهر نَیپ بزرگ موسوم بَیپ تون و خوبیهای او
۱۷	شروع سفر انگلند
۱۹	صفت جزیره سنت هلینا

- ۲۱ هفت جزیره اسفشن
- ۲۲ ذکر مرغ عجیب
- ۲۳ ذکر جزایر مدیره و جزایر خالیدات
- ۲۴ ذکر امداب رفتن بجزیره ایونند
- ۲۵ ذکر شهر کوکارک
- ۲۶ ذکر شهر کاکت
- ۳۰ ذکر شهر کلکنی
- ۳۱ ذکر شهر و قیلن
- ۳۴ ذکر روشنی شهر قیلن
- ۳۵ ذکر کثرت عرابه ها
- ۳۶ ذکر چارسوهای این شهر
- ۳۷ ذکر اسکیرها و پارکها
- ۴۰ ذکر بنای غریبی
- ۴۱ ذکر نهروهای قیلن
- ۴۲ ذکر عمارات نامدار قیلن
- ۴۳ ذکر افتادن برف و کثرت سرهای قیلن
- ۴۷ ذکر اسکیتنگ یعنی نخزیدن مردم بر سطح دریا های
یخ بسته بسبب نعلی که بر کفش بندند
- ۴۹ ذکر ورود به هالی هد جزیره ملک ویلیز
- ۵۱ ذکر ورود بشهر لندن

- ۵۱ ذکر سفر اکسفورد که مرا در انگلند بود
- ۵۲ ذکر مدرسه های آن شهر
- ۵۳ ذکر باینم پارک
- ۵۴ ذکر اوضاع شکار انگلش
- ۵۷ ذکر اوضاع اسکول یعنی مکتب های انگلش
- ۵۸ ذکر بدتش میدوزیم
- ۵۹ ذکر در بیان اوضاع انگلند و دستورات انگلش و قلعه هائیکه که در ضمن آن مذکور است
- ۶۱ ذکر حیوانات
- ۶۱ بیان رستاق و کنتریهوس
- ۶۲ ذکر راه ها
- ۶۳ در بیان شهر لندن
- ۶۳ ذکر عمارات لندن
- ۶۴ ذکر اسکیر و پارک
- ۶۴ بیان قهوه خانه ها و آشخانه ها
- ۶۵ در بیان کلب
- ۶۶ در بیان خانه مسیر سیارات و اقمار
- ۶۸ ذکر اوضاع خیرات انگلند
- ۶۹ ذکر بنکھوس
- ۷۰ ذکر اکسچینج

- ۷۰ ذکر فوائد کاغذ اخبار
- ۷۱ ذکر اسباب آرام مسافران
- ۷۱ ذکر کثرت و تکمیل جہازات
- ۷۳ ذکر چرخها و آلات
- ۷۴ در بیان ایل و نهار انگلند
- ۷۵ ذکر تقسیم کار مردان و زنان
- ۷۵ ذکر سلوک دوکانداران بخیریدار
- ۷۵ ذکر دستورات ازادی انگلش
- ۷۹ در بیان مشقت جنگی ایستان
- ۸۹ بیان اوضاع تربیت اولاد انگلش و معاش ایشان
با عیال
- ۸۱ در بیان اوضاع ریاست انگلش و اقتدار پادشاه
ایشان
- ۸۴ ذکر وضع خاموش کردن آتش
- ۸۵ اشار سفر معاودت بعد دو سال و پنجاه و پانزده روز
توقف در لندن
- ۸۶ ذکر اوضاع زمین فرانس و دارالملک پارس و رسوم
و عادات اهل آن
- ۸۸ ذکر شهر پارس و عمارات نامدار آن

- ۹۳ ذکر تصویر خانه فرانس
- ۹۴ ذکر محامد فرانس یا بیان اخلاق فرانس
- ۹۶ ذکر وضع دیوار کلی آنجا
- ۹۷ ذکر ورود بخانه جانول مارتن
- ۹۸ ذکر سفر موسیل برکشتی در دریای شیونین
- ۹۹ ذکر پای مشهور تمام فرنگ
- ۱۰۰ آغاز سفر بحر روم و ملک ایتالی
- ۱۰۱ ذکر قانون حفاظ از طاعون
- ۱۰۲ ذکر خوبی و صفائی شهر جنوه و کثرت میوه آن
- ۱۰۳ ذکر خوبی موسیقی و سازهای رومیان
- ۱۰۴ ذکر متابع نهارن
- ۱۰۵ ذکر کشتن رومیان مردم را بدعا
- ۱۰۶ ذکر خوبیدهای مائده
- ۱۰۷ ذکر استحکام قلعه ماله که در روی زمین نظیر
آن نیست
- ۱۰۹ ذکر طوفان
- ۱۱۱ ذکر اوضاع اسمرفه المعروف
- ۱۱۳ بیان حال زمین سواحل بحر مار مره
- ۱۱۶ ذکر اوضاع استنبول و آن عثمان

- ۱۲۱ ذکر کثرت شنب کشی آل عثمان
 ۱۲۲ ذکر تذیع کلاه در آل عثمانی
 ۱۲۶ ذکر عمارات استنبول وصفه مسجد های آن خصوص

آیا صوفیه

- ۱۳۰ ذکر شدت حکم فضات آنولایت
 ۱۳۰ ذکر وداع مصنف بعنی مرزا مرحوم از استنبول
 بسوی کنگه و بیان وارداتی که درین مابین روداد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دیباچہ

بعد حمد متکاتر حکیمی کہ وجود جن و بشر شمع
ایست از صفات کمالات او و نذائے عدو فر قادی
کہ تزیین ارض و سما از انسان و کواکب رمقی است
از جمال کمالات او و نعمت برگزیدگان سیاحین فلک
اعظم کہ نفوس قدسیہ انبیا و رسل اند و صلوة بر اتباع
ایشان کہ حافظین مسیر بحر و بر عالم اند بر خرد
دانشوران سخن آفرین و برزائے دقیقہ رسان نکتہ
سنج مخفی مہیا کہ مرزا ابوطالب بن محمد
اصفہانی را چون بسبب اقتضاء افتاد کار و گردش

نیدل و نهار سکون در منزل و وطن دشوار گشته سفرهای
 بسیار اتفاق افتاد و بدان سبب مشاهده عجایب
 بحر و غرایب برو اختلاط بهر طایفه از نوع بشر و داد
 بخاطرش رسید که وقائع سفر فرنگ را ضبط کند و هر
 چیز مفید آن ملک را تحقیق و تدقیق نموده داخل آن
 نماید تا عجایب بحر و غرایب آن دیار و دستورات اُمم
 مختلفه آن ملک که بگوش اهل اسلام نرسیده برایشان
 منکشف شود و بمشحوای کُلّ جدید نذیر موجب
 ذوق سامعین و سبب حرکت طلب طالبین گردد
 و عامه خلائق تربیت اولاد و طریق زیستن ایشان
 در منزل و آداب تمدن و ریاست آن ملک و صنایع
 و بدایع آنها و اثر نیک آن دران جماعت ظاهر
 و هویدا است و مطلع شده تدبیر نمایند و فوائد آن بروزگار
 خود بردارند بنابراین شروع در ضبط واردات روز صره
 نمود و آنچه بنظر میرسید تاریخ آنرا بقید تحریر
 می کشید چون در سنه ۱۲۱۸ یکهزار و دویست و هفتاد
 هجری از آن سفر دور دراز سالم بکلکته اتفاق ورودش
 افتاد خلاصه آن مسودات را یکجا جمع کرد و
 به مسیر طالبی فی بلاد افرنجی مسمی گردانید مگر
 از آنجا که مرزا مذکور مردی هندی و بی بهره

از علوم بلاد افرونج بود لهذا در بیان حال صنایع آن
 دیار که از نظرش گذشت اکثر جا خطا ازو سرزده
 بنابراین موافق این مختصر آنچه در اصل کتاب
 راست راست یقوت و دران نفع هر صغیر و کبیر
 دید از ان برچید و برباقی خط رد کشیده *

منتخب سیر طالبی



آغاز سفر فرنگ بتاریخ شرف شهر رمضان
سنه ۱۲۱۳ یک هزار و صد و سیزده هجری
مطابق هفتم ماه فبروری سنه ۱۷۹۹ یک هزار و
هفتصد و نود و نه عیسوی توذیع درستان کشته
کرده بواجبه سوار شدم و رو بلدگرگه جهاز آوردم •
دو روز بواجبه گذشت سیوم ماه مذکور در محل
۱ کجری بجهاز کرسیدنا نام رسیده بالا برآمدیم
و هر یک به محل موعود خود قرار گرفتیم و
۲ پیلوت جهاز را باب زرف میانه رنگ که انگلش
آنها بی بنگال نامند و آغاز شعبه بحر هند است
رسانیده رخصت شد * و جهاز چند روز جنوب
رویه رفت بعد از آن مائل بطرف مشرق گردید
و اسباب توقف دو هفته مهیا شد وجه آن چنین
بوضوح پیوست که آب فخره بشرح آمده

1 Kedjeri. 2 Christiana. 3 Pilot. 4 English. 5 Bay of Bengal.

می خواهند که یکی از جزایر ^۱ ملاکه را گرفته آب بردارند این جزیر ^۲ موسوم به جزایر ^۳ نکوبار خورد و کلان هفده اند ^۳ کار نکوبار را که بحسب مایحتاج جهازی معمور تر از دیگران است نتوانستند گرفت * بعد از آن قصد دیگری کردند ازو هم رد شده متصل سیومین جزیره ^۳ ثلث شب گذشته نگر کردند *

ذکر تجویبه از جمله اموریکه نو منکشف شد این است که شخصی انگشتری در کاسه چینی انداخته آنقدر دور بود که انگشتری از نظر من غائب شد پس آب در آن انداخت مگر آب انداختن عکس انگشتری در آب افتاده بنظر آمدن گرفت از ملاحظه آن مرا آنقدر وهم غائب شد که گمان کردم انگشتری بالای آب آمده ایستاده بپخواست نزدیک رفته دیدم که انگشتری در ته آب بود *

بیان جزایر ملاکه مردم هر سه جزیره برجهاز آمد و رفت می کردند و نارجیل و انناس بسیار لطیف و چند قسم نیموی جنس اعلی آبدار و

1 Malacca. 2 Nicobar. 3 Karnicobar.

خوش ذایق و قاز و مرغ فویده و سوپاری را
 بجهت معامده آورده بجنس پارچه و شیره بدل
 میکردند * قسمی از تبادکوی پانچیده که عوام
 بفکال مثل جونیج میشدند و جورقت نامند و
 آلات آهن مثل شمشیر و چاقو و امثله و غیره
 نزد ایشان بسیار عزیزالوجود است که در عرض
 آن اشیاء مذکور بسیار دارند و به بهای زر و فلین
 زیراکه زر در ملک ایشان مصرف ندارد * و در
 نارجیل درین جزایر آنقدر است که بعضی یک
 چورت که بیست عدد پندلوس در هنگام قیمت
 دارد ده نارجیل بسیار بزرگ تازه و نازک
 مغز میدهند * صورت اهل این جزایر بمردم پیغمبر
 و چنان برابر است همه گندم رنگ کوسج دارند
 قوی خاقت جسم کثیرالنشاط می باشند * و غار از
 ندگوتنه باریکی رخت ندارند * چون بجهت
 شکار در آبادیهای ایشان عبور افتاد دختران
 و پسران شیرین شمایل حسین بسیار بنظر آمدند *
 خازنهای ایشان همه گاهی مدور چذنیچه برای
 ذخیره غله می سازند می باشد و خانه بزرگان
 دوسه طبقه که سقف هر طبقه از چوب بانس است

معمول بود در طبقه زیرین خانه مرغ و قاز و
گوسفند سازند و طبقه وسط مردانه و طبقه سیوم
زنانه است * و زنان ایشان در پرده حجاب
محتفی می مانند و با بیگانه هرگز تکلم نکنند *
کشتیهای خرد بوضع پنسوئی بنگانه بسیار خوش ساخت
و در سه چهار بوضع فرنگ در آن جزایر مشهور شد *
روز دیش که غره ذیقعه سده ۱۳ ۱۲ یک هزار
و در صد و سیزده بود لنگر برداشت راست بسمت
جنوب روانه شد از نزدیک در جزیره دیر گذشتیم
و در آن روز صرعی بود * روز یکشنبه سیوم ذیقعه از
محاذات آفتاب در درجه هفتم شمایی خط استوا
گذشتیم هوا بسیار گرم و تا دو هفتاد اکثر اوقات
بارانهای شدید شد و باد آنقدر کم بود که چهار درین
مدت زبانه از پنج شش کوه راه نرفت گریند چند
درجه این طرف و آن طرف خط استوا همیشه هوا
کم است و هر چهار درین مقام تانی سیر رو میدهد
چه تاب آفتاب بالخاصه فاقد هوا است * جمعه ۸
پانزدهم ذیقعه از خط استوا در درجه صدم طولی
عبور کردیم درین چند منزل انواع پندکان بنظر آمدند
بعضی مشابه بوتیمار بادم باریک و درازتر و بعضی

شبیه بگرمی نمرگ تو از آن ماهی هم در بحر بسیار بود *
 اما نزدیک قلاب نمی آمد گویند کثرت تو این
 جانور بسبب قرب آفتاب است * غذای پرندگان ماهی
 است روز در پرواز اند شب بر روی آب گذرانند
 چون وقت تخم نهادن رسد مدتها گروه بهمین نوع بطرف
 خشکی مائل شوند و بتدریج بدان رسیده بچند برآند *
 یکی از آنها که خود بمقدار کبوتری و بیش بتدر کورسی
 فاخته رنگ بود شب بر چهار نشست حلاصیهها گرفتند
 بسبب شب گرمی نتوانست مدفعه کند شب
 در زیر چهار نگاشته صبح که به امروز داریم چند
 دفع در حین پریدن بر چهار افتاد و بشکل تمام به
 پرواز آمد *

ذکر اعجوبه ماهیهای پرنده پندشعبه ۱۴ بیست

و یکم ذیقعه ماهی های پرده بنظر آمدن که گروه
 گروه بقدر سه چهار گز از آب بلند شده سیصد تا پانصد
 قدم راه گاه پست گاه بلند بعینه چون پرندگان
 هوای پرده باز بآب فرو میرفتند چنانچه بال زدن
 آنها بخوبی مشهود می شد * سابق بودن که این معنی
 از زبان مسافران بحر شنیده بودم بخاطر رسیدن که این
 پریدن از قبیل جستن خواهد بود اما بعد تجربه

معلوم شد که صاف پرنده اند بعضی از آنها که در
 اثنای پرواز بمستول و باد بان جهاز بزور خورده
 بیخود شده بر سطح بام جهاز افتاده اسیر میشوند
 گوشت آنها خورده شد بسیار نذین و مصداق لَحْمًا
 طَرِيًّا بود * زین مقام شدت گرمی هوا که بمقدار ماه
 بیساکه و بهادون ^۱ رنگانه بود و به تخفیف نهاک چه مادر
 درجه هفتم شمایی استوا از آفتاب گذشتیم و حال در پنجم
 جنوبی استوا هستیم این میشود ۱۲ درازده درجه
 و آفتاب هم درین بیست و یکروز قرب هفت درجه
 شمایی استوا رفتار کرده بنابراین قرب نوزده بیست
 درجه از آفتاب و ما فاصله بهم رسید چون هوای بحر
 نسبت بخشگی در گرمی و سردی هر دو با اعتدال
 میباشد از بهم رسیدن آینقدر فاصله تبدیل موسم
 محسوس شده *

ذکر قطب جنوبی و باد تجارت درین موقع چون
 هوا صاف بود من تفتیش علامت قطب جنوبی میکردم
 آخرش معلوم شد که درین طرف علامتی مثل
 بنات النعش و فرقدین هم نیست تا به مثل جدی
 چه رسد شنبه ۲۳ بیست و سیوم ذیقعدة ^۱ به تریذ وند

¹ Trade wind.

یعنی باد تجارت رسیدیم تفصیل این مبهم آنکه
 جهاز رانان فرنگ را بتجربه معلوم شد که از درجه
 دهم جنوبی استوا تا بیست و هفتم دور تا دور ارض
 باد یکه از مابین مشرق و شمال می وزد تمام
 سال بربیک نوع و وزن می باشد و روزگه و آینده
 فرنگ هر دو را مدد می رساند چون قریب هشتاد
 نود درجه طوی مسافریں فرنگ این طرف و آنطرف
 کیب بسبب اثاثه این باد بریده می شود و مسافریں
 در آغاز تجار بودند باد مذکور منسوب بدیشان و
 موهوم به باد تجارت گوید * فی المثل اگر درین
 درجات زمین افریقیه حائل نمی شد و کسی طواف
 ارض اراده میکرد تا اتمام کل دایره این باد بد و وفا
 می نمود چنانچه مسافریں فرنگ بعد عبور کیب
 چون بدرجه بیست و هفتم جنوبی استوا رسند
 باز بدین باد برخوردند و تا دهم جنوبی باد مذکور
 وفا کند غیر ازین درجات که بدین باد بریده می شود
 رفتار جهاز در عرض می باشد *

بیان وضع رفتار جهاز از کلکته تا انگلند جهاز
 از پنجاه تا درجه دهم جنوبی استوا به مصلحت
 دوری از سنگ لاختها و رسیدن بدین باد جنوب رویه

میروند و از اینجا آمده است مائل بمغرب شده
 1 بکیب میرسد بعد مرور از کیب شمال رویه مائل
 بمغرب رفته بعد طی سی و چهار نایم درجه عرضی
 تدویر استوا مینماید از آنجا پنجاه و یک درجه شمالی
 آمدن در عرض بی میل و مقدار کوه بافتن میرسد *
 پنجاه و یک ستم در نتیجه طوفی از زمین 2 افریقیه
 که از اینجا تا کیب تخمیناً سه صد کوه فاصله بود
 بنظر آمد با آنکه خیال فرود آمدن نبود بهجرت
 رویت سرمد چشم منتظران دوری کشیده و در سه
 روز مفرح قلب خدیان از اصل باز مانده گردید *

ذکر ماهی ویل بزرگترین خلقت دریا درین
 روز ماهی بنظر آمد که آنقدر جسم یعنی کله او
 که سرئی می شد دو فین وار بود سوراخی فراخ
 چون سرتنور بر پیشانی داشت که در حین تنفس
 هر لحظه آب از آن راه فواره وار پانزده گز بلند می شد
 چون بدین سبب خود را مخفی و ته آب ندانند
 کرد اهل فرنگ تماقب او کرده شکار کنند * روغن
 چواغ تمام فرنگ این ماهیست و ایضا از پیه او
 شمعی که در صورت چون شمع کافوری و دیر پاتر

از شمع چوبدست می سازند و بد بوی نیز مطلقاً
ندارد و خار آن را به قهچپی اسپ و غیره بکار برند
زیورانه چون فنرچم و خم دارد و شکسته نمی شود *
گویند این ماهی نه بزبان انگلیس ویدل گویند
در نواحی کیپ بسیار میشود تا حدی که دست در طول
شکار شده و ازین بزرگ تر را نزدیک نروند
چه شکار خورش هم چنانچه معلوم شود خطرناک
است * چهارم مُحَرَّم شعبهٔ بحر که موسوم است
به تیدل بی و شهرکیپ کنار آن واقع است از
دور بنظر درآمد و معلوم شد که آب ذخیره
بسبب عدم محافظت و قصر پدپها همه بخرج آمده
و قلیلی باقیست لهذا رای کپتان برای گرفتن
کیپ قرار یافت * ۱۷ هفدهم مُحَرَّم از برابر دهده
خور تیدل بی گذشته قصد شهر کیپ خورد کردیم
چه درین موسم چهار ماه در خور خطر بسیار
است لهذا حکام کیپ جهازات را از دخور
این خور منع کند و اگر کسی ممنوع نشود بعد
قرب شهر امر برگشتن کند و اگر قبول نکنند
بتوپها قلعہ غرق نمایند *

ذکر اوضاع کلب خورد * روز پنجشنبه ۱۸ هیجدهم
 محرم داخل خور کلب خورد که موسوم است
 ۱ به فانس بی شدیم تا قریب دو پهر شب که ماهتاب
 بود در آن راه رفتند * بعد از آن بسبب خوف کوه پایه‌ها
 که در ته آب در آن موضع بسیار است گذر کردند
 علی الصبح جمعه نوکدهم محرم گذر برداشت
 پهر روز برآمد بکنار شهر مذکور رسیدند * این کلب
 برآمده بود سبزی پرکن و ریحان واقع است مجموع
 بیست سی خانه مطبوع در نهایت موزونی که
 در هر خانه نهر جاری و آب روان است مخصوص
 برای نگر چهارت درین موسم موضوع و معمور شده *
 مشاهده چهار که در آن منوار باد شاهی بجهت دفع
 چهارت فرانس متعین این نواح بودند در کنار
 این شهر گذر داشتند * چون از مدته روی شهر و آبادی
 ندیده بودم اوضاع این شهر و نگرگاه آنقدر دلپذیر
 گشت که به بیان نیاید و در تمام عمر از هیج شهری
 این قدر محفوظ نشده بودم * روز شنبه بستم محرم
 سائر رفقا از چهار فرود آمده در شهر مذکور جا گرفتند
 من بسبب کم مایگی از کثرت اخراجات اندیشیده

بر همان چهار کثیف ماندم قرب شهر فراخی در
 غذا و شراب بهم رسید * بعد از چند روز معلوم شد
 که رفتن بسبب بد اخلاقی کیدان نماندند و میمانند آنها
 و کیدان مذکور قبل از وصول بد کید در دریا واقع
 شده بود و ملاحظه کهنگی و بد اوضاعی چهار مزم
 جزم کرده اند که دیگر بران چهار نمانند و تا
 بهم رسیدن چهارت در شهر کید بزرگ رفته
 انتظار کشیدند تا برین من دم از چهار مذکور فرود
 آمده بهمان خانه که رفتن جا گرفته بودند منزل
 گزیدم بتدر پنج روئیده بوسیده کرایه حجره و وجد
 طعام چاشت و حضری متور شد * بعد چندی چون
 صاحب خانه رف حسن سلوک بر گزیدند بنا برین
 روز یکشنبه بیست و هشتم محرم از خانه او بر آمده
 بمواری کوچ روانه کید بزرگ که کید تون
 خوانند شدم *

فکر ورود بشهر کید بزرگ موسم کید تون
 و خوبیهات او * چون چهار پاچ هیل بشهر باقی ماند
 راه وسیع مسطح و دوار که هر دو جانب آن
 باغات و یکجانب آن زمین پستی عریض دراز کشیده

که قرا و آسیابها باد و ذراع و عتار بسیار در آن
معمور و تمام مزروع است. پیش آمد سواد شهر
بشکوه و حسن تمام مشهور شده فرج و سرور و اثر
رو داد * اشرف اهل دین و اعظم دانش بعد نصف النهار
بر کوچ اسپان درین راه آورد و اندساب هوا
می نمایند * از کبیر خورک تا اینجا چند آشخانه در
راه بود در یک از آنها حاضر می و در دیگر چاشت
گذرد کرده شد * قریب شام همانروز داخل شهر شده
بخانه کلات نامی هندیز که نیکنام ترین مردم و
خانۀ او بهترین خانهای آن شهر بود و رفقا از
پیشتر در آن بودند فرود آمدیم * دو طرف این شهر
کوهستان است خصوص طرف ^۱ تیبیل لاند که از
غایت بلندی و اتصال کوه چنین توهم می شود
که کوه در خاندها خواهد افتاد و کوهها همه مملو
از انواع ریاحین و گلهای رنگارنگ خود رو است
و چراگاه جانوران و باغات مردم شهر و چشمهای روان
و آبشارها و آسیابها باد بسیار بر آنست * جانب
دیگرش شعبه بحر است که فکرش گذشت یعنی
تیبیل بی و بر ساحل آن برجهای وسیع برای

1 Dutch. 2 English. 3 Clark. 4 Table-land. 5 Table Bay.

منع لنگر چهار دشمن ساخته اند طرف دیگر میدان
 که منتهی میشد بکوهستان * در این شهر تخمیناً
 شش میل است جمیع خانهها از خشت و آهک
 بعضی از سنگ همه مستقیم راه های وسیع بی بدیع
 و خم مفروش از خشت بزرگ است * بدریه آب
 مدنی جوی هموار از سنگ اندر در وسط و بعضی جا
 در دو طرف راه گذاشته اند آب مستعمل شهر از آن
 راه بدریه میریزد در موسم باران اثر بسیار ملاحظه
 معلوم نمی شود * گذار جوی ها در بعضی کوچهها
 در دو طرف قطار درختان که سایه بر در خانههای
 مردم نداشته موضوع است در خانهها بخط مستقیم
 مقابل یکدیگر و بر هر در خانه سکونی بجهت نشیمن
 صبح و شام تابستان بارتفاع یک تا دو گز بقدر
 حد خانه بلطف و صفائی تمام ساخته شده است *
 این رسم که خاص آنجا است بسیار نیکو و پسندیده
 در نظر آمد * بالجمله در وسط شهر کلب میدانیست
 که دایره آن دو میل بوده باشد بسیار مطبوع
 که سپاه آنشهر در آن قواعد گذاند *

شروع سفر اندکند دیگر بازه چهارشنبه بست